



۰۹/۰۸/۲۰۱۷

ارسالی: نبیل عزیزی

منبع: بی.بی.سی

نویسنده: بصیر احمد حسین زاده

## تاریخچه اندیشه چپ در افغانستان

برای اولین بار اندیشه های مارکسیستی در افغانستان، در دهه چهل علنی شد و اولین حلقه های اندیشه های مارکسیستی در این کشور توسط نور محمد تره کی، ببرک کارمل و میر غلام محمد غبار به وجود آمد.

برخی از تاریخ نویسان افغان به این باورند که نفوذ اندیشه های مارکسیستی در افغانستان به دوران زمامداری امان الله خان و جنبش مشروطه دوم بر می گردد که با تشکیل گروه جوانان افغان شکل گرفت و افرادی چون عبدالرحمان لودین، غلام محی الدین ارتی و میر غلام محمد غبار، که همگی از طرفداران سرسخت امان الله خان بودند، از اعضای اصلی این گروه به شمار می رفتند.

انگونه که مصباح زاده، در کتاب "آغاز و فرجام جنبش های سیاسی در افغانستان" آورده است، شاید یکی از دلایلی که عبدالرحمان لودین، تاج محمد پغمانی، فیض محمد باروت ساز و غلام محی الدین ارتی در زمان محمد نادر شاه اعدام شدند، به خاطر ارتباط آنها با شوروی بوده باشد؛ چرا که نادر شاه به وسیله برادر خود محمد هاشم، که در زمان امان الله خان سفیر افغانستان در مسکو بود، از این ارتباط مطلع شده بود.

"عبدالرحمان لودین احتمالاً از طریق سردار احمد جان رحمانی و فقیر محمد خان که هر دو دیپلمات های سفارت افغانستان در مسکو بودند، با کمونیستان و اندیشه های کمونیستی و به تبع آنها با روسها آشنا شده بودند. سردار احمد جان و فقیر محمد خان در نخستین کنگره خلق خاور که توسط کمیته اجرائیه کمینترن (بین الملل سوم کمونیستان یا سومین کنگره جهانی کمینترن) در باکو پایتخت کنونی جمهوری آذربایجان برگزار شده بود، به نمایندگی از کمونیستان افغانی مخفیانه شرکت کرده بودند".

برخی از نویسندگان بر این باورند که جنبش مشروطیت، حزب وطن، حزب جوانان بیدار، از جمله احزابی بودند که دارای اندیشه های مارکسیستی بودند. "میر غلام محمد غبار و دکتر عبدالرحمان محمودی، دو تن از روشنفکران چپی که در ابتدا همکار و عضو حزب جوانان بیدار بودند، احزاب دیگری به نام حزب وطن و حزب خلق تاسیس کردند. حزب وطن تقریباً هم زمان با پیروزی کمونیستان در چین تاسیس شد و حزب خلق حدود یکسال بعد از تاسیس جمهوری خلق چین به وجود آمد".

ولی برخی دیگر از نویسندگان چنین قضاوتی را فاقد هر نوع سند و گواه تاریخی می دانند و بر این باورند که این جنبش ها و احزاب، دارای اهداف و آرمانهای ملی و در مواردی قومی بوده اند و حد اکثر ممکن است برخی از اعضای این احزاب دارای گرایشهای مارکسیستی بوده باشند.

جامعه سوسیالیستی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

با این همه، آنچه که همگان بر آن اتفاق نظر دارند این است که اولین تشکیلات روشنفکری که به افکار چپ مارکسیستی گرایش داشت و در هسته های مطالعاتی مخفی گرد هم می آمدند، در دهه چهل خورشیدی شکل گرفت. طبق نوشته ظاهر طنین در کتاب "افغانستان در قرن بیستم"، کار اصلی روشنفکران این حلقه های مطالعاتی، عبارت بود از تبادل کتاب، آموخته ها و اطلاعات. "در این حلقه ها، سه حلقه که به دور مورخ مشهور، میر غلام محمد غبار، نورمحمد تره کی، و بیرک کارمل گرد آمده بودند از همه معروف تر بودند".

مدتی بعد همین حلقه ها منجر به تشکیل حزب دموکراتیک خلق شد و گنگره این حزب به صورت مخفی در ۱۱ جدی (دی) ۱۳۴۳ خورشیدی در منزل نور محمد تره کی بر گزار شد و رهبران اصلی و علی البدل حزب انتخاب شدند و خط مشی عمومی و خطوط اساسی و اساسنامه حزب مورد تصویب قرار گرفت. البته خیلی زود غلام محمد غبار از این حزب کناره گیری کرد.

حزب دموکراتیک خلق هر چند که در سالهای اولیه، مانند سایر احزاب کمونیست جهان، به طور علنی از اندیشه های مارکسیستی سخن نمی گفت، ولی این را هم پنهان نمی کرد که هدفش ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است.

طبق گفته عبدالکریم میثاق: "در آن وقت تمام طرحهایی که بود و گفته می شد، همین بود که ما می خواهیم یک حزب دموکراتیک را در این مرحله تاسیس کنیم. البته مسایلی از سوسیالیسم طرح می شد و اعضای گنگره تقریباً همه به نحوی با ادبیات سوسیالیستی آشنا بودند، البته نه با همان عمقی که باید باشد. در آنجا گفته می شد که هدف استراتژیک ما یک تحول دموکراتیک است و هدف نهایی ما ساختمان یک جامعه سوسیالیستی".

حزب دموکراتیک خلق از همان ابتدای تشکیل، حزبی متحد و یکدست نبود و خیلی زود میان اعضای این حزب اختلافات اساسی بروز کرد و سر انجام به دو جناح "خلق" و "پرچم" اشعاب کرد. رهبری جناح خلق را نورمحمد تره کی و رهبری جناح پرچم را بیرک کارمل بر عهده داشت و در زمانی هم که حزب دموکراتیک خلق قدرت را به دست گرفت، این اختلافت به اوج خود رسید که منجر به تصفیه خونین درون حزبی شد.

### ستم ملی

ظاهر بدخشی یکی از بنیان گذاران و عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق بود که به خاطر تضادهای قومی با نور محمد تره کی و حفیظ الله امین درگیر شد و اختلافات میان آنها چنان بالا گرفت که سر انجام ظاهر بدخشی از حزب دموکراتیک خلق خارج شد و سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان (سازا) را تاسیس کرد.

اعضای این سازمان که به ستم ملی معروف شدند، اغلب از قوم تاجیک بودند، این سازمان با آنکه از اندیشه های مارکسیستی پیروی می کرد، ولی مشکل اصلی جامعه افغانستان را تضاد قومی و ملیتی می دانستند و اعضای این گروه به این باور بودند که پشتونها با "زور گویی و قلدری" مایه بدبختی سایر اقوام در افغانستان شده اند.

بعد ها اختلافت در این سازمان بالا گرفت و این جریان هم دچار انشعاب شد و "سازمان زحمتکشان افغانستان" به رهبری ظاهر بدخشی و "سازمان فدایی زحمت کشان افغانستان" به رهبری باعث بدخشی به وجود آمد.

فعالیت این گروه بیشتر در نواحی شمال افغانستان به خصوص در ولایات (استانها) قطغن و بدخشان متمرکز بود. خود ظاهر بدخشی هم که این جریان را رهبری می کرد، از شهر فیض آباد بود، بدخشی که در دوران داوود خان به خاطر فعالیت ضد دولتی به زندان محکوم شده بود. با کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد، ولی چندی بعد به اتهام دست داشتن در "توطئه ضد خلقی" دستگیر و زندانی و چندی بعد هم تیرباران شد.

بعد از کشته شدن رهبران این سازمان، سایر اعضای آن در داخل و خارج از افغانستان پراکنده شدند و برخی از آنها به فعالیت نظامی روی آوردند، که مهم ترین آن تشکیل "جبهه ملیشایی صمد پادشاه" در بدخشان بود که اعضای این گروه بعد از پیوستن به دولت خلقی این جبهه را علیه مجاهدین به وجود آوردند.

د پانوی شمیره: له 2 تر3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

### جمعیت دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

بعد از حزب دموکراتیک خلق، بزرگترین جریان چپ‌گرای دیگری که در افغانستان اعلام موجودیت کرد، "جمعیت دموکراتیک نوین" معروف به "شعله جاوید" بود. این گروه ما ئوئستی پیرو اندیشه های مائوتسه تونگ، بنیانگذار حزب کمونیست چین بود که ایدئولوژی انقلاب چین را سر لوحه برنامه های خود قرار داده بود.

انگونه که خود اعضای جمعیت دموکراتیک نوین ادعا کرده اند، این جریان فقط چند ماه بعد از تاسیس حزب دموکراتیک خلق توسط تعدادی از روشنفکران چپ در کابل به صورت مخفیانه تشکیل شد. این گروه ابتدا به صورت مخفیانه فعالیت می کرد، ولی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی فعالیت خود را علنی کرد.

بعد از علنی شدن فعالیت جمعیت دموکراتیک نوین، این سازمان هفته نامه "شعله جاوید" را منتشر کرد و بعد از آن بود که نام این گروه به شعله جاوید معروف شد. هفته نامه شعله جاوید به صاحب امتیازی دکتر رحیم محمودی و با همکاری هادی محمودی فقط ۱۱ شماره منتشر شد و در آستانه انتخابات سیزدهمین دروه مجلس شورای ملی افغانستان این نشریه به علت حمله شدید به "مقام سلطنت" توقیف شد.

بر خلاف حزب دموکراتیک خلق که منظم ترین تشکیلات حزبی را در افغانستان داشت، جریان شعله جاوید هم از نظر تشکیلاتی و هم از نظر ایدئولوژیک ضعیف و فاقد برنامه مشخصی برای جامعه افغانستان بود. همین موضوع باعث شد که این جریان بعد از چندی دچار فروپاشی و اختلاف شود.

اختلافات در این جریان چنان بالا گرفت که در همان مرحله اول حدود شش جریان انشعابی از دل این تشکیلات بیرون آمد. گروهی به رهبری برادران محمودی که بیشتر اعضای خانواده عبدالرحمان محمودی در آن جمع شده بودند و گروه های کوچکتر دیگری به رهبری اکرم یاری، مجید کلکانی، عثمان لندی و عبدالله مزاری، از عمده ترین جریان های بودند که به "شعله ای" های افغانستان معروف شدند.

به طور کلی می توان گفت که تمام جریان های چپ‌گرای دیگری که بعد از تشکیل حزب دموکراتیک خلق و جمعیت دموکراتیک نوین (شعله جاوید) اعلام موجودیت کردند، بیشتر آنها بیرون آمده از درون همین دو تشکیلات کمونیستی در افغانستان بودند.